

مطابقت با آخرین
تغییرات کتاب درسی
به ضمیمه سؤالات
هماهنگ کشوری
خرداد ۱۴۰۲



ویرایش جدید

نگاه نو

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

فارسی ۱

جواد امیرسالاری

- ♦ بررسی نکات دستوری مهمی اشعار و عبارت دشوار هر درس
- ♦ شرح تمامی ابیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر
- ♦ ارائه سؤالات تکمیلی در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری با پاسخ تشریحی
- ♦ آموزش آرایه های ادبی و توضیحات تکمیلی نکات دستوری
- ♦ مجموعه واژگان کل کتاب به صورت یکپارچه
- ♦ ارائه مفاهیم تمامی ابیات و عبارت مهم کتاب
- ♦ پاسخ سؤالات کارگاه متن پژوهی

نگاه نو

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



فارسی (۱)

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

مجموعه کتاب های نگاه نو

نگاه

مؤلف جواد امیرسالاری

چون در تهیه ی مطالب این کتاب وقت و هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین هر گونه کپی از مطالب آن یک نوع سرقت تلقی می شود و حرام و خلاف انسانیت است.



تقدیم می شود به همکاران ارجمندی که عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان در این سردترین روزگاران، بهترین پشتیبان است.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این کتاب را به هر صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و جزوه و یا حتی برداشت به صورت دست نویس ندارد و متخلفین به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفین و ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.	سرشناسه عنوان و نام پدیدآور مشخصات نشر مشخصات ظاهری فروست شابک وضعیت فهرست نویسی یادداشت شماره کتاب شناسی ملی اطلاعات رکورد کتاب شناسی	: امیرسالاری، جواد، ۱۳۳۹ : فارسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه مؤلف جواد امیرسالاری. ویراستار حلیمه کاشانی : شیراز: نگاه نو فرهنگ، ۱۴۰۲. : ۳۱۲ص:؛ جدول ۲۲×۲۹ س.م. : مجموعه کتاب‌های نگاه نو : ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۴۲-۰۷-۴ : فیبای مختصر چاپ شانزدهم : ۸۹۲۰۷۱۳ : فیبا
--	---	---

مجموعه کتاب‌های نگاه نو

فارسی (۱) - پایه دهم (دوره دوم متوسطه)

مؤلف جواد امیرسالاری
محل نشر شیراز
ناشر نگاه نو فرهنگ
نوبت چاپ شانزدهم - ۱۴۰۲
شمارگان ۲۰۰۰
شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۴۲-۰۷-۴
حروف نگار سحر اجاکه
ویراستار و صفحه آرا حلیمه کاشانی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی سلمان قم
قیمت ۲۷۵،۰۰۰ تومان



سامانه فروش اینترنتی: www.negahenow.com

negahenow

اینستاگرام:

شماره تماس با ناشر: ۰۹۱۷۳۰۱۶۰۸۵

توجه: چون در تهیه مطالب این کتاب، وقت و هزینه زیادی صرف شده است؛ بنابراین هرگونه کپی، اسکن، تایپ از تمام یا بخشی از مطالب و نشر آن در فضای مجازی یا حقیقی، جرم محسوب می شود و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت و از لحاظ شرعی و اخلاقی نیز حرام و خلاف انسانیت است.

نامه که آراسته چون جان بود حمد خدا زینت عنوان بود

سخنی با دانش آموزان و همکاران گرامی

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که به موجودات، هستی بخشید و ما را به طریق علم و دانش رهنمون شد، و مفتخر به هم نشینی با رهروان علم و ادب گردانید و خوشه چینی از مزرع علم و معرفت را روزی ما ساخت. مجموعه ای که فرا روی شماست، با هدف ایجاد نگاه مثبت نسبت به کتاب فارسی تهیه و تدوین شده است و سعی می‌کند در درک لذت و معرفت ادب فارسی یاریگر دانش آموزان باشد.

ویژگی های کتاب:

- 1- تمامی مطالب کتاب به صورت درس به درس و سطر به سطر از نظر قلمرو زبانی، ادبی و فکری شرح شده است.
 - 2- به سؤالات کارگاه متن پژوهی (قلمرو زبانی، ادبی و فکری) و بخش درک و دریافت شعرخوانی و روان خوانی‌ها به طور کامل پاسخ داده شده است.
 - 3- به منظور فعال شدن عزیزان دانش آموز در امر یادگیری و تقویت توانایی فهم و درک متن در پایان سؤالات کارگاه متن پژوهی، تعدادی سؤال تألیفی با عنوان «سؤالات تکمیلی» با پاسخ تشریحی آمده است. این سؤالات مهم ترین نکات و مفاهیم هر درس را مورد سنجش قرار می دهند و توصیه می شود در مطالعه آن عنایت ویژه ای داشته باشند.
 - 4- نکات زبانی مطرح شده در کارگاه های متن پژوهی به شیوه آموزشی به تفصیل در پیوست شماره ۱ کتاب با ذکر نمونه مثال‌های بیشتر شرح شده است. در پیوست شماره ۲ «آموزش آرایه های ادبی» به صورت مختصر آورده شده که مروری است بر مهمترین آرایه های ادبی.
 - 5- کلیه ابیات مندرج در کارگاه های متن پژوهی به طور کامل شرح شده و در پاورقی همان صفحه قرار داده شده است.
 - 6- واژگان مهم همه متن ها علاوه بر شرح و توضیح در درس، به صورت جمع بندی با عنوان «واژه نامه» بعد از اتمام شرح درس ها به کتاب افزوده شده است. این امر موجب ساده کردن امر آموزش درآیام امتحانات خواهد شد.
 - 7- نکات دستوری تمامی ابیات و عبارات متون دشوار، به طور گسترده شرح شده است. از آنجایی که گاهی مطالب مطرح شده، فراتر از اهداف هر درس است، به همین جهت در پاورقی هر صفحه با ذکر شماره بیت یا عبارت، بیان شده است. لازم به تذکر است که دانستن و مطالعه همه نکات ذکر شده، الزامی نیست. هر دانش آموز می تواند به فراخور اطلاعات دستوری خود و یا انتظارات دبیر محترم کلاس از این نکات بهره برداری نماید.
 - 8- با توجه به پیش گفتار کتاب درسی در شرح مطالب به ویژه در قلمرو زبانی و ادبی و طرح سؤالات تکمیلی از بیان مطالب اضافی که به انباشت دانش و فرسایش ذهنی دانش آموزان منجر می شود، به طور جدی پرهیز شده است و برای هر درس، سؤالات تشریحی متناسب با مفاهیم متن و کارگاه های متن پژوهی طرح و پاسخ داده شده است.
 - 9- درس های آزاد (ادبیات بومی ۱ و ۲) به عهده دانش آموزان عزیز گذاشته شده است تا با مشارکت آنها و راهنمایی دبیران گرامی تهیه شود.
- شایسته است از همسر گرامی سرکار خانم حلیمه کاشانی که در حروف نگاری، ویرایش و صفحه‌آرایی مطالب، همت نموده و در آماده کردن این کتاب با این‌جانب نهایت همکاری را مبذول داشته‌اند، سپاسگزاری نمایم، همچنین برخورد لازم می‌دانم از همکاران و دوستان باوفایی که همواره مشوق، راهنما و یاور من در این راه بوده‌اند، تشکر و قدردانی ویژه داشته باشم.

درس یکم: چشمه

قالب شعر: مثنوی

«نیما یوشیج»، علی اسفندیاری

محتوا: شعری نمادین با درون مایه «پرهیز از خودستایی»

شرح ابیات

۱ گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما، تیزپا^۱

قلمرو زبانی: غلغله زن*: شور و غوغا کنان چهره نما: خودنما، در حال خودنمایی تیزپا*: تندرو، تیزرو

قلمرو ادبی: نمادها: چشمه: انسان های مغرور و خودشیفته سنگ: افراد ایستا، بی نقش و بی رمق

تشخیص و استعاره: چهره نما و تیزپا بودن چشمه مراعات نظیر: سنگ و چشمه

قلمرو فکری: معنی: چشمه ای شور و غوغاکنان، نمایان و تیزرو از سنگی جدا شد.

مفهوم: توصیف خودنمایی چشمه

۲ گه به دهان، بر زده کف چون صدف گاه چو تیری که رَوَد بر هدف^۲

قلمرو زبانی: صدف: نوعی جانور آبی

قلمرو ادبی: تشبیه: چشمه گاهی مانند صدف و گاهی مانند تیر شده. جناس ناهمسان: هدف و صدف

تشخیص و استعاره: کف بر دهان زدن چشمه مراعات نظیر: تیر و هدف / کف و دهان

واج آرایی: تکرار واج های «ر،د»

قلمرو فکری: معنی: گاه چشمه مانند صدف (بر اثر خروشنده گی)، کف به دهان زده بود یعنی دهانش کف آلود می شد و گاه

مثل تیری بود که به سوی هدف می رود.

مفهوم: توصیف خروشنده گی و سرعت چشمه

۱- تعداد جمله: ۱ چشمه ای، غلغله زن، چهره نما، تیزپا، از سنگی جدا گشت.

نوع جمله: کل بیت، یک جمله مستقل ساده است. (نهاد + مسند + فعل)

نوع فعل: گشت (= شد) ← فعل اسنادی، ماضی ساده

نقش کلمه: یکی ← نشانه نکره (چشمه ای) چشمه ای ← نهاد سنگی ← متمم جدا ← مسند

غلغله زن، چهره نما، تیزپا ← قید

۲- تعداد جمله: ۲ [چشمه] گه چون صدف به دهان، کف بر زده [بود] [چشمه] گاه چو تیری [بود] که [او] بر هدف می رَوَد

نوع جمله: مضارع اول ← جمله مستقل ساده مضارع دوم ← گاه چو تیری بود ← جمله پایه رَوَد بر هدف ← جمله پیرو

نوع فعل: رَوَد (= می رَوَد) ← مضارع اخباری کف بر زده بود ← ماضی بعید

موارد حذف: حذف «نهاد» در آغاز تمامی جمله ها به قرینه لفظی / حذف فعل «بود» به قرینه معنایی

نقش کلمه: چون / چو (مانند) ← حرف اضافه گه / گاه ← قید صدف / دهان / هدف ← متمم چو تیر ← مسند

۳ گفت: درین معرکه، یکتا منم تاج سر گلبُن و صحرا، منم^۳

قلمرو زبانی: معرکه*: میدان جنگ، جای نبرد یکتا: بی‌همتا گلبُن*: بوته یا درخت گل به ویژه بوته گل سرخ صحرا: دشت
قلمرو ادبی: تشخیص (استعاره): صحبت کردن چشمه/ سر گلبُن و صحرا تشبیه: چشمه مثل تاج بر سر گل‌ها و دشت واقع شده
قلمرو فکری: معنی: گفت: من در این میدان، شخص بی همتا و تاج سر بوته گل و دشت، هستم.

مفهوم: توصیف غرور و خودخواهی چشمه

۴ چون بدوم، سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر دوش من^۴

قلمرو زبانی: آغوش: بغل دوش: شانه، کتف
قلمرو ادبی: تشخیص و استعاره: سبزه در آغوش چشمه می رود و مراعات نظیر: سر، آغوش، دوش
کنایه: بوسه زدن (احترام گذاشتن) جناس ناهمسان: بر و سر مجاز: (سر) صورت
قلمرو فکری: معنی: وقتی می دوم (جاری می شوم)، سبزه در آغوش من به نشانه احترام بر صورت و کتف من بوسه می زند.
مفهوم: غرور و خودستایی چشمه

۵ چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من^۵

قلمرو زبانی: شکن*: پیچ و خم زلف رخ: چهره
قلمرو ادبی: تشخیص و استعاره: داشتن «رخ» و عمل «دیدن» ماه / داشتن «مو» و «گشودن آن» برای چشمه.
اغراق: صاف و زلال بودن چشمه به طوری که ماه چهره خود را در او می بیند.
ایهام تناسب: «سر» ← (۱) روی (۲) عضو بدن (در این معنی با مو و رخ تناسب دارد)
مراعات نظیر: رخ، مو، سر، شکن
کنایه: شکن از سر مو گشودن چشمه (صاف و زلال شدن)
قلمرو فکری: معنی: وقتی پیچ و خم موهایم را باز می کنم و صاف و زلال می شوم، ماه، چهره خود را در من می بیند.
مفهوم: غرور و خودستایی چشمه

۳- تعداد جمله: ۳ [چشمه] گفت: که من در این معرکه، یکتا هستم من تاج سر گلبُن و صحرا، هستم

نوع جمله: کلّ بیت، یک جمله مرکب است. چشمه گفت ← جمله پایه دو جمله بعد ← جمله‌های پیرو

نوع فعل: گفت ← ماضی ساده «م» در «منم» (= هستم) ← فعل اسنادی، مضارع اخباری

نقش کلمه: معرکه ← متمم یکتا/ تاج ← مسند من ← نهاد

وابسته‌ها: پیشین ← این (صفت اشاره) پسین ← سر/ گلبُن/ صحرا (مضاف‌الیه)

نوع ترکیب: وصفی ← این معرکه اضافی ← تاج سر/ سر گلبُن/ سر صحرا

۴- تعداد جمله: ۲ [من] چون بدوم، سبزه در آغوش من، بر سر [من] و بر دوش من بوسه زند.

نوع جمله: کلّ بیت، یک جمله مرکب است. چون بدوم ← جمله پیرو جمله بعد ← جمله پایه

موارد حذف ← حذف نهاد (من) در جمله اول / حذف مضاف‌الیه (من) در جمله دوم، به قرینه لفظی

نوع فعل: بدوم (= می‌دوم) / بوسه زند (= بوسه می‌زند) ← مضارع اخباری ترکیب‌های اضافی ← آغوش من/ سر من/ دوش من

نقش کلمه: چون ← حرف ربط وابسته‌ساز سبزه ← نهاد آغوش/ سر/ دوش ← متمم

۵- تعداد جمله: ۲ [من] چون ز سر مو، شکن بگشایم ماه رخ خود را به من ببیند.

نوع جمله: کلّ بیت، یک جمله مرکب است. مصراع اول ← جمله پیرو مصراع دوم ← جمله پایه

نوع فعل: بگشایم (= می‌گشایم) / ببیند (= می‌بیند) ← مضارع اخباری ترکیب‌های اضافی ← سر مو/ رخ خود

نقش کلمه: چون ← حرف ربط وابسته‌ساز سر/ من ← متمم شکن/ رخ ← مفعول ماه ← نهاد

۶ قطره باران که درافتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک^۶

قلمرو زبانی: دمیدن: روییدن گیاه، سبز شدن تابناک: درخشان، روشن بس: بسیار

قلمرو ادبی: استعاره: گهر (سبزه، گل و گیاه) مجاز: خاک (زمین)

قطره باران: نماد انسان‌های متواضع

قلمرو فکری: معنی: قطره باران که بر زمین می افتد، و به واسطه او بسیار گیاه درخشان می‌روید و سبز می‌شود

۷ در بر من، ره چو به پایان برد از خجلی سر به گریبان برد^۷

قلمرو زبانی: بر: آغوش ره (راه): مسیر حرکت خجل: شرمساری، خجالت گریبان: یقه

قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: در و بر تشخیص و استعاره: خجل بودن باران مراعات نظیر: بر، سر، گریبان

کنایه: سر به گریبان بردن (خود را پنهان کردن / کنار کشیدن / عزت گرفتن)

قلمرو فکری: معنی: آن (قطره باران) وقتی در آغوش من، مسیر حرکتش تمام می‌شود، از شرمساری، خود را پنهان می‌کند

و کنار می‌کشد. ✓ منظور از «من» همان چشمه است.

مفهوم: خودستایی چشمه و تحقیر دیگران

۸ ابر ز من، حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد^۸

قلمرو زبانی: حامل: در بردارنده سرمایه: دارایی پیرایه*: زیور، زینت

قلمرو ادبی: تشخیص و استعاره: قایل شدن صفات انسانی برای ابر و باغ

استعاره: پیرایه (شکوفه و گل و گیاه) / سرمایه (باران)

قلمرو فکری: معنی: ابر، به واسطه من در بردارنده باران شد. باغ، به واسطه من صاحب گل و گیاه شد.

مفهوم: غرور و خودستایی چشمه

۶- تعداد جمله: ۲ قطره باران که به خاک درافتد، بس گهر تابناک از او بدمد.

نوع جمله: کلّ بیت، یک جمله مرکب است. مصراع اول ← جمله پیرو مصراع دوم ← جمله پایه

نوع فعل: درافتد (= در می‌افتد) / بدمد (= می‌دمد) ← مضارع اخباری

نقش کلمه: قطره/ گهر ← نهاد خاک ← متمم بس ← قید ز (مخفف از) ← حرف اضافه در معنای «به واسطه»

او ← متمم، مرجع ضمیر «او» ← قطره باران

نوع ترکیب: اضافی ← قطره باران وصفی ← گهر تابناک

۷- تعداد جمله: ۲ [آن قطره] در بر من، ره چو به پایان برد [او] از خجلی سر به گریبان برد

نوع جمله: کلّ بیت، یک جمله مرکب است. مصراع اول ← جمله پیرو مصراع دوم ← جمله پایه

نوع فعل: به پایان برد / سر به گریبان برد (= می‌برد) ← مضارع اخباری

نقش کلمه: بر/ خجلی ← متمم ره (راه) ← مفعول چو ← حرف ربط وابسته‌ساز من ← مضاف‌الیه

۸- تعداد جمله: ۲ ابر از من، حامل سرمایه شد، باغ از من صاحب پیرایه شد

نوع جمله: هر دو مصراع، جمله‌های مستقل ساده هستند. نوع فعل: شد (در هر دو مصراع) ← فعل اسنادی، ماضی ساده

نقش کلمه: ابر/ باغ ← نهاد من ← متمم حامل/ صاحب ← مسند

ترکیب‌های اضافی ← حامل سرمایه / صاحب پیرایه

۹ گُل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی^۹

قلمرو زبانی: برازندگی*: شایستگی، لیاقت پرتو: اثر، تأثیر

قلمرو ادبی: تشخیص و استعاره: زندگی کردن گل واج آرایبی: تکرار واج «گ»

قلمرو فکری: معنی: گل با همه رنگ و شایستگی از تأثیر من زندگی می‌کند. (گل با استفاده از آب من، رشد می‌کند و بزرگ می‌شود).

مفهوم: فخر فروشی و خودستایی چشمه

۱۰ در بُن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟^{۱۰}

قلمرو زبانی: بُن: زیر نیلوفری*: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی؛ همسری: رقابت، برابری

قلمرو ادبی: استعاره: پرده نیلوفری (آسمان لاجوردی) واج آرایبی: تکرار واج «ی»

قلمرو فکری: معنی: در زیر این آسمان لاجوردی، کسی وجود ندارد که بتواند با من رقابت و برابری کند.

مفهوم: خود بزرگ بینی چشمه

۱۱ زین نَمَط آن مست شده از غرور رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور^{۱۱}

قلمرو زبانی: نَمَط*: روش، طریقه زین نَمَط*: بدین ترتیب مبدأ: نقطه آغاز، جای شروع

قلمرو ادبی: تشخیص و استعاره: مست شدن چشمه از غرور واج آرایبی: تکرار واج «ت»

قلمرو فکری: معنی: بدین ترتیب، آن چشمه از غرور مست شده، رفت و هنگامی که از نقطه آغاز خود کمی دور شد... (این بیت با بیت بعد موقوف المعانی است).

۹- تعداد جمله: ۱ گُل به همه رنگ و برازندگی، از پرتو من زندگی می‌کند.

نوع جمله: کلّ بیت، یک جمله مستقل ساده است.

نوع ترکیب: اضافی ← پرتو من وصفی ← همه رنگ/ همه برازندگی

نوع فعل: زندگی می‌کند ← مضارع اخباری نقش کلمه: گل ← نهاد رنگ/ برازندگی/ پرتو ← متمم

وابسته‌ها: پیشین ← همه (صفت میهم) پسین ← من (مضاف‌آلیه)

۱۰- تعداد جمله: ۲ کیست [که] [او] در بُن این پرده نیلوفری با چو منی همسری کند؟

نوع جمله: کلّ بیت، یک جمله مرکب است. جمله اول ← پایه جمله دوم ← پیرو

نوع فعل: «است» در «کیست» ← فعل غیر اسنادی، در معنای «وجود داشتن» همسری کند ← مضارع التزامی

نقش کلمه: که (= چه کسی) در «کیست» ← نهاد بن/ منی ← متمم نوع پرسش: انکاری (کسی نمی‌تواند)

نوع ترکیب: وصفی ← این پرده/ پرده نیلوفری اضافی ← بن پرده

۱۱- تعداد جمله: ۲ زین نَمَط، آن مست شده از غرور رفت و [او] از مبدأ چو کمی دور گشت

نوع جمله: جمله اول ← جمله مستقل ساده جمله دوم ← جمله پیرو برای بیت بعد که جمله پایه است

نوع فعل: رفت ← ماضی ساده گشت (شد) ← فعل اسنادی، ماضی ساده

نقش کلمه: زین نَمَط/ کمی ← قید آن ← صفت اشاره مست شده (صفت جانشین اسم) ← نهاد

غرور/ مبدأ ← متمم دور ← مسند چو ← حرف ربط وابسته ساز

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱- معنای واژه های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه نمایید.
- در بن این پـرده نیـوفری کیست کند با چو منی همسری؟
- راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله
- ۲- بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.
- «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما، تیز پا»

قلمرو ادبی

- ۱- هر یک از بیت های زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید.
- چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من
- گه به دهان، بر زده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف
- ۲- با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟
- ۳- آمیختن دو یا چند حس و یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی)، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند.
نمونه: «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.»
- در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. «روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»، شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.
- نمونه ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما ببابید.
- ۴- هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیرحقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیرحقیقی آن، «مجاز» می‌گویند. «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز»، به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیرحقیقی؛ به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛
مثال:

«پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش^۱ سعدی

همان طور که می‌دانید، «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در بیت اول، به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد.

اکنون به دو بیت زیر توجه نمایید:

ما را سرِ باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آن جاست سعدی
عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود حافظ

در بیت اول، واژه «سر» در مفهوم مجازی «قصد و اندیشه» به کار رفته است. «سر» محل و جایگاه «اندیشه» است.

۱- کنایه: هوش دار (مواظب باش)

معنی: در پشت دیوار آنچه را که می‌گویی، مواظب باش تا انسان جاسوسی نتواند در پشت دیوار، بشنود و آن را افشا کند.

مفهوم: برای حفظ اسرار، هنگام سخن گفتن، مواظب باش.

در بیت دوم، مقصود شاعر از واژه «نرگس»، معنایی غیرحقیقی، یعنی «چشم» است. آنچه که «گل نرگس» و «چشم» را به هم می‌پیوندد و اجازه می‌دهد تا یکی به جای دیگری به کار رود، «شبهات» میان آن دو است. به این نوع مجاز در اصطلاح ادبی «استعاره» می‌گویند. در درس پنجم با آن بیشتر آشنا خواهید شد.

■ در شعر این درس، دو نمونه «مجاز» بیابید و مفهوم هریک را بنویسید.

قلمرو فکری

۱- پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟

۲- معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«نعره برآورده، فلک کرده گر دیده سیه کرده، شده زهره در»

۳- سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید.

«یکی قطره باران ز ابری چکید	خجل شد چو پهنای دریا بدید ^۱
که جایی که دریاست من کیستم؟	گر او هست حقا که من نیستم ^۲
چو خود را به چشم حقارت بدید	صدف در کنارش به جان پرورید ^۳
بلندی از آن یافت کاو پست شد	در نیستی کوفت تا هست شد ^۴

۴- دوست دارید جای کدام یک از شخصیت‌های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟ برای انتخاب خود دلیل بیاورید.

۱- تشخیص: خجل شدن قطره باران تضاد: قطره و دریا مراعات نظیر: قطره، باران، ابر، دریا مفهوم: بیانگر تواضع و فروتنی

۲- جناس ناهمسان: کیستم و نیستم پرسش انکاری: من کیستم؟ (من کسی نیستم) حقا ← قید

«که» در کیستم ← ضمیر پرسشی در نقش مسند است/ هست/ نیستم ← فعل غیر اسنادی در معنای «وجود داشتن»

مفهوم: بیانگر تواضع و فروتنی

۳- حقارت: کوچکی صدف: نوعی جانور آبی کنار: آغوش به جان: از صمیم قلب مرجع ضمیر «خود» ← قطره باران

حذف مفعول (مصراع دوم) ← قطره نقش ضمیر متصل «ش» ← مضاف‌الیه

معنی بیت: وقتی قطره باران در برابر عظمت دریا، خود را کوچک و ناچیز دید، این فروتنی سبب شد که صدف از صمیم قلب او را در

آغوش خود پرورش دهد.

✓ گذشتگان اعتقاد داشتند که قطره باران در درون صدف جا می‌گیرد و تبدیل به مروارید می‌شود.

مفهوم: تواضع و فروتنی، عامل رسیدن به سربلندی و کمال است.

۴- از آن ← قید علت بلندی / در نیستی ← مفعول پست / هست ← مسند

جمله‌های «اول» هر دو مصراع ← جمله پایه جمله‌های «دوم» هر دو مصراع ← جمله پیرو

تضاد: بلند و پست / نیست و هست جناس ناهمسان: هست و پست واج آرایی: تکرار واج «س» متناقض نما: بلندی یافتن از پستی

کنایه: در نیستی کوفتن (ناچیز پنداشتن خود) / بلندی یافتن (مقام والایی به دست آوردن) استعاره: در نیستی

معنی بیت: قطره باران بدان سبب، مروارید شد که خود را پست دید و چون خویشتن را ناچیز پنداشت، هستی و عزت یافت.

مفهوم: تواضع و فروتنی، سبب سربلندی و عظمت است.

پاسخ کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱- «همسری»: در بیت درس: رقابت و برابری است و امروزه به معنای «زناشویی، ازدواج» است.
 «راست»: در بیت درس: «عیناً»، «درست» و امروزه به معنی «طرف راست، سخن درست» است.
- ۲- چشمه ای غلغله زن، چهره نما، تیزپا از سنگی جدا گشت.
 نهاد قید متمم مسند فعل

قلمرو ادبی

- ۱- بیت اول: تشخیص: «رخ داشتن» و است داشتن «مو» و «گشودن مو» به چشمه نسبت داده شده است.
 اغراق: صاف و زلال بودن چشمه به طوری که ماه چهره خود را در او می بیند.
 مراعات نظیر: رخ، مو، سر، شکن کنایه: شکن از سر مو گشودن چشمه (صاف و زلال شدن چشمه)
 بیت دوم: تشبیه: «چشمه چون صدف و تیر» جناس ناهمسان: هدف و صدف
 مراعات نظیر: تیر و هدف تشخیص: کف بر دهان آوردن چشمه
- ۲- «چشمه» نماد انسان مغرور و خودشیفته
 ۳- شیرین سخنی
 ۴- در بیت چهارم: سر: (صورت) // در بیت ششم: خاک: (زمین) / در بیت پایانی: گوش: (شنونده)

قلمرو فکری

- ۱- چشمه با دیدن عظمت دریا، مبهوت شد و به ناچیزی خود در برابر دریا پی برد و سکوت، پیشه کرد.
 ۲- آن دریا فریاد می کشید. با صدای امواجش گوش آسمان را گر کرده بود. نگاه خشمگین داشت و بسیار ترسناک شده بود.
 ۳- «چشمه» در شعر نیما، فردی مغرور و خودخواه است و خود را برتر از همه پدیده‌ها می داند و زمانی که با دریای طوفانی و سهمگین رو به رو می شود، در برابر عظمت دریا چنان حیران می ماند که چاره ای جز سکوت ندارد.
 در شعر سعدی قطره باران، از همان ابتدا با دیدن دریا، فروتنی و تواضع اختیار می کند و چون خودش را پست و بی ارزش می بیند به جایگاه بلندی می رسد.
 ۴- دریا، چون نماد عظمت و بخشندگی است.

گنج حکمت: پیرایه خرد

۱- در آبگیری سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز.^۱

قلمرو زبانی: آبگیر: برکه، تالاب حازم*: محتاط

قلمرو فکری: معنی: در برکه‌ای سه ماهی وجود داشت که دو تا از آنها محتاط بود و یکی ناتوان.

۲- از قضا، روزی دو صیاد بر آن گذشتند و با یک دیگر میعاد نهادند که دام بیارند و هر سه را بگیرند.^۲

قلمرو زبانی: از قضا: اتفاقاً میعاد*: وعده، قرار میعاد نهادن*: قرار گذاشتن

قلمرو فکری: معنی: اتفاقاً روزی دو شکارچی از کنار آن برکه عبور کردند و با یکدیگر قرار گذاشتند که دام بیاورند و هر سه ماهی را بگیرند.

۳- ماهیان این سخن بشنودند؛ آن که حزم، زیادت داشت و بارها دست بردِ زمانه جافی را دیده بود، سبک، روی به

کار آورد و از آن جانب که آب در می آمد، برفور بیرون رفت.^۳

قلمرو زبانی: حزم: هوشیاری زیادت: بیشتر جافی*: ستمگر، ظالم دست برد*: هجوم و حمله

دست برد دیدن*: مورد هجوم قرار گرفتن سبک: فوراً برفور: سریع

قلمرو ادبی: تشخیص و استعاره: دست برد زمانه

قلمرو فکری: معنی: ماهی‌ها سخن دو شکارچی را شنیدند، آن ماهی که هوشیاری بیشتر داشت و بارها مورد هجوم روزگار ستمگر قرار گرفته بود فوراً دست به کار شد و از آن سمتی که آب خارج می شد، سریع بیرون رفت.

۱- **تعداد جمله:** ۳ سه ماهی در آبگیری بود، دو، حازم [بود]، یکی، عاجز [بود].

مورد حذف: حذف فعل‌های جمله دوم و سوم (بود)، به قرینه لفظی

نوع فعل: بود ← فعل غیر اسنادی در معنای «وجود داشت»، ماضی ساده

نقش کلمه: ماهی/ دو/ یکی ← نهاد آبگیر ← متمم حازم/ عاجز ← مسند

۲- **تعداد جمله:** ۴ از قضا، روزی دو صیاد بر آن گذشتند و [آنها] با یک دیگر میعاد نهادند که [آنها] دام بیارند و [آنها] هر سه را بگیرند

مورد حذف: حذف نهاد در جمله‌های دوم و سوم و چهارم، به قرینه لفظی

نوع فعل: گذشتند ← ماضی ساده میعاد نهادند ← ماضی ساده بیارند (= بیاورند)/ بگیرند ← مضارع التزامی

نقش کلمه: از قضا/ روزی ← قید صیاد ← نهاد آن/ یک دیگر ← متمم که ← حرف ربط وابسته‌ساز

دام/ هر سه ← مفعول **ترکیب‌های وصفی** ← دو صیاد/ هر سه

۳- **تعداد جمله:** ۶ ماهیان این سخن بشنودند؛ آن که حزم، زیادت داشت و [او] بارها دست بردِ زمانه جافی را دیده بود،

[او] سبک، روی به کار آورد و [او] از آن جانب که آب در می آمد، [او] برفور بیرون رفت

موارد حذف: حذف نهاد (او) در جمله‌های سوم تا ششم، به قرینه لفظی

نوع فعل: بشنودند/ داشت ← ماضی ساده دیده بود ← ماضی بعید روی به کار آورد ← عبارت فعلی، ماضی ساده

در می آمد (= خارج می شد) ← فعل پیشوندی، ماضی استمراری بیرون رفت ← ماضی ساده

نقش کلمه: ماهیان/ آن که/ آب ← نهاد سخن/ حزم/ دست برد ← مفعول بارها/ سبک/ زیادت/ برفور ← قید

نوع ترکیب: وصفی ← این سخن/ آن جانب/ زمانه جافی اضافی ← دست برد زمانه

نمونه سؤال نوبت اول: شماره ۱	
ردیف	الف) قلمرو زبانی (۷ نمره) معنی واژه، املا و دستور
۱	معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (۱) <u>خَلَفَ</u> صدق نیاکان هنرور خود بود. (۲) <u>زین نَمَطَ</u> آن مست شده از غرور (۳) در <u>حَضِيضٍ</u> هم می توان عزیز بود (۴) همهٔ بندگان را از عذاب <u>دَین</u> فرج دهد.
۲	املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) گفتم اکنون ما را که در حمام (گزارد/ گذارد) ب) دید یکی (بحر/ بهر) خروشنده ای
۳	سه مورد نادرستی املایی را در گروه کلمات زیر بیابید و درست آنها را بنویسید. طالع مسعود- غرّش شیران- نغز همه پیمان ها - مولع و آزمند - یال و قارب - تقدیر رحمان- قبطهٔ زندگانی
۴	در هریک از موارد زیر، املای یک واژه نادرست است آن را اصلاح کنید. الف) عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن تأخیر ثواب نبیند. ب) بقض گلویش را می فشرد، دستش به قفل در نمی رسید. با اندوه به عملهٔ بناها نگاه می کرد. ج) مرگت زندگی را به سُخره گرفت و آن را بی غدر کرد.
۵	در بیت زیر، هستهٔ گروه های اسمی «مفعول» را مشخص کنید. «حدیث دوست نگویم مگر به حضرت که آشنا سخن آشنا نگه دارد»
۶	در مصراع های زیر، نقش ضمیرهای پیوسته را بنویسید. الف) خداهش در همه حال از بلا نکه دارد ب) گفتمت چون در حدیثی گر توان داشت هوش
۷	در عبارت زیر، فعل هایی را که در گذر زمان دچار تحوّل معنایی شده اند، مشخص کنید. (۵/۰ نمره) سی دینار فرستاد که این را به بهای جامه بدهید. از آن، دو دست جامه ساختیم و روز سیوم به مجلس وزیر شدیم.
۸	با توجه به بیت زیر، به پرسش ها پاسخ دهید. «صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی ز روی لطف بگویش که جا نکه دارد» الف) فعل مصراع اول را با حفظ شخص به مضارع اخباری تبدیل کنید. ب) کدام واژه در نقش منادا به کار رفته است؟ ج) واژه های نقش مفعول را مشخص کنید. د) نقش دستوری ضمیر پیوسته «ش»، را بنویسید.
۹	دربارهٔ کاربرد کلمهٔ «را»، در مصراع های زیر، توضیح دهید. (۵/۰ نمره) الف) «یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش» ب) «گفت باور نداشتم که تو را بانگ مرغی چنین کند مدهوش»
۱۰	در عبارت «در فکر آن گودالم/ که خون تو را مکیده است/ هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم.» (۵/۰ نمره) الف) وابسته های پیشین را مشخص کنید ب) «است»، فعل اسنادی است یا کمکی؟

۱۱	در بیت زیر، کدام جزء جمله، حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید. (۵/۰ نمره) «سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد»
	ب) قلمرو ادبی (۵ نمره) حفظ شعر و آرایه‌های ادبی
۱۲	در بیت‌های زیر، جاهای خالی را با مصراع مناسب کامل کنید. (۱ نمره) الف) غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا ب) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید
۱۳	پاسخ درست است را از داخل کمانک انتخاب کنید. (۵/۰ نمره) الف) «قابوس نامه» اثر (عنصرالمعالی/ خواجه نظام الملک توسی) ب) «کلیله و دمنه» ترجمه (سعدالدین وراوینی/ نصرالله منشی)
۱۴	پدیدآوردگان آثار مقابل را بنویسید. الف) اتاق آبی ب) اسرار التوحید (۵/۰ نمره)
۱۵	آرایه درست هر بیت را از داخل کمانک انتخاب کنید. (۵/۰ نمره) الف) بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی (تلمیح/حسن تعلیل) ب) ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد (تشبیه/ استعاره)
۱۶	در بیت زیر، کدام واژه در معنای استعاری به کار رفته است؟ مفهوم استعاری آن را بنویسید. (۵/۰ نمره) «بر کن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم بر کند»
۱۷	در عبارت زیر، ارکان «سجع» را مشخص کنید. (۲۵/۰ نمره) «از روی نیکوش، حبس و چاه آمد و از خوی نیکوش تخت و گاه آمد.»
۱۸	در بند زیر، کدام نوع از روابط معنایی واژه‌ها بر زیبایی سخن افزوده است؟ (۲۵/۰ نمره) این قصه در میان دو ضد جمع بود: هم فرقت بود و هم وصلت؛ هم محنت بود و هم شادی؛ هم راحت بود و هم آفت.
۱۹	هریک از آرایه‌های «تشخیص، ایهام، تشبیه، حس آمیزی»، در کدام بیت دیده می‌شود؟ (۱ نمره) (یک بیت اضافی است) الف) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب ب) گل از شوق تو خندان در بهار است ج) ما را سرِ باغ و بوستان نیست د) لیک چنان خیره و خاموش ماند ه) بی مهر رخت روز مرا نور نمانده ست بر دولت آشیان شما نیز بگذرد از آتش رنگ‌های بی شمار است هرجا که تویی تفرج آنجاست کز همه شیرین سخنی گوش ماند وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده ست
۲۰	در بیت زیر، واژه «سر» در بردارنده چه آرایه‌ای است؟ (۵/۰ نمره) «ما را سرِ باغ و بوستان نیست هرجا که تویی، تفرج آن جاست»

	ج) قلمرو فکری (۸ نمره) معنی و مفهوم نظم و نثر و درک مطلب	
	معنی هریک از متن‌های زیر را به نثر روان بنویسید.	
۲۱	نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در (۱ نمره)	
۲۲	خونت / با خون بهایت، حقیقت در یک تراز ایستاد (۰/۵ نمره)	
۲۳	بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی (۰/۵ نمره)	
۲۴	ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد (۱ نمره)	
۲۵	چون بر رقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست؟ (۰/۵ نمره)	
۲۶	اسب از پهلوی، اسبی خود را به کمال نشان داد. (۱ نمره)	
۲۷	در مقابله جفا، وفا کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد. (۰/۵ نمره)	
۲۸	مفهوم مشترک عبارتهای زیر، را بنویسید. الف) ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان ب) چون دادِ عادلان به جهان در، بقا بیداد ظالمان شما نیز بگذرد (۰/۵ نمره)	
۲۹	درباره ارتباط مفهومی دو عبارت زیر، توضیح دهید. الصبر مفتاح الفرج یعقوب، خود او را به صبر آموزگار بود (۰/۵ نمره)	
۳۰	در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید شده است؟ «صورت زیبای ظاهر، هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار» (۰/۵ نمره)	
۳۱	در بیت زیر، به کدام مفهوم نمادین باد صبا اشاره شده است؟ «صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی ز روی لطف بگوش که جا نگه دارد» (۰/۵ نمره)	
۳۲	کدام گزینه با عبارت «شرف المکان بالمکین» ارتباط مفهومی دارد؟ الف) بر تالابی از خون خویش ایستاده ای (ب) در فکر آن گودالم که خون تو را مکیده است ج) هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم (د) تو تنها تر از شجاعت / در گوشه تاریخ ایستاده ای (۰/۵ نمره)	
۳۳	مفهوم عبارت «گندم نمای جو فروش مباش» انسان را از چه چیزی برحذر می دارد؟ (۰/۵ نمره)	

پاسخ نامه تشریحی

- ۱- ۱) جانشین راستین (۲) بدین ترتیب (۳) جای پست در زمین یا پایین کوه (۴) وام
 ۲- الف) گذارد (ب) بحر
 ۳- نغز ← نقض قارب ← غارب قبطه ← غبطه
 ۴- الف) ثواب ← صواب (ب) بقض ← بغض (ج) بی غدر ← بی قدر
 ۵- گروه های اسمی مفعول: حدیث دوست: هسته ← حدیث / سخن آشنا: هسته ← سخن

- ۶- الف) ضمیر «ش» ← مفعول (خدا او را نگاه دارد) (ب) ضمیر «ت» ← متمم (به او گفتم)
- ۷- ساختیم (فراهم کردیم) شدید (رفتیم)
- ۸- الف) بینی ← می بینی (مضارع اخباری) (ب) صبا
ج) دل مرا / جا (د) متمم (بگویی ← به او بگو)
- ۹- الف) نشانهٔ فک اضافه (مگر آواز من به گوش یکی از دوستان مخلص رسید)
ب) مفعول (بانگ مرع، چه کسی را مدهوش کند؟ ← تو را)
- ۱۰- الف) آن (صفت اشاره)، هیچ (صفت مبهم) (ب) فعل کمکی برای ساخت ماضی نقلی (مکیده است ← ماضی نقلی)
۱۱- فعل اسنادی «است» بعد از «یاری» به قرینهٔ معنایی حذف شده است.
- ۱۲- الف) ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب (ب) چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان ها
- ۱۳- الف) عنصر المعالی (ب) نصرالله منشی
- ۱۴- الف) سهراب سپهری (ب) محمد بن منور
- ۱۵- الف) حسن تعلیل (ب) استعاره
- ۱۶- «بنا» در مصراع اول استعاره از «ظلم»
- ۱۷- چاه و گاه
- ۱۸- تضاد
- ۱۹- الف) تشبیه (بوم محنت) (ب) تشخیص (خندان بودن گل) (د) حس آمیزی (شیرین سخن) (ه) ایهام (مهر)
- ۲۰- مجاز (قصد و اندیشه)
- ۲۱- آن دریا فریاد می کشید. با صدای امواجش گوش آسمان را کر کرده بود، نگاه خشمگین داشت و بسیار ترسناک شده بود.
- ۲۲- شهادت تو با حقیقت که خون بهای توست، هم ارزش است.
- ۲۳- سعی کن که برای هر اندیشهٔ باطلی از حال و سرشت خود جدا نشوی.
- ۲۴- ای پادشاهی که مردم را به دست حاکم درنده خو سپرده ای، این درنده خوبی حاکم شما نیز به پایان خواهد رسید.
- ۲۵- وقتی بر متن نامهٔ من آگاهی یابد، بسنجد که شایستگی من چه حد است؟
- ۲۶- تصویر اسب از نیم رخ، تناسب اندام حیوان را کاملاً نشان می داد.
- ۲۷- در برابر بی وفایی، وفا کرد و در مقابل پستی (رفتار برادران) جوانمردی کرد.
- ۲۸- ظلم و ستم، ماندگار نیست
- ۲۹- در هر دو عبارت بر «صبر» تأکید شده و اینکه با صبر و تحمل، مشکلات حل می شود.
- ۳۰- برتری باطن بر ظاهر
- ۳۱- پیام رسانی
- ۳۲- گزینه «ج»
- ۳۳- دو رویی و ریاکاری

■ ستایش

افلاک: جمع فلک، آسمان‌ها
رزاق: روزی دهنده
زهی: آفرین، خوشا، شگفتا، هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود.
فضل: لطف، توجه، رحمت، احسان که از خداوند می‌رسد.
فروغ: پرتو، روشنایی
کام: دهان

■ درس یکم

برازندگی: شایستگی، لیاقت
پیرایه: زیور، زینت
تیزپا: تندرو، تیزرو
جافی: ستمگر، ظالم
حازم: محتاط

خیره: حیران، سرگشته، فرومانده
دست برد: هجوم و حمله
دست برد دیدن: مورد حمله و هجوم قرار گرفتن
دمیدن: روییدن گیاه، سبز شدن
دوش: شانه، کتف
شکن: پیچ و خم زلف
صورت شدن: به نظر آمدن، تصوّر شدن
غُلغله زن: شور و غوغا کنان
گُلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ
معرکه: میدان جنگ، جای نبرد

مکاید: جمع مکیدت، مکرها، حيله‌ها
میعاد: وعده، قرار
میعاد نهادن: قرار گذاشتن
نادره: بی همتا، شگفت‌آور
نَمَط: روش، طریقه؛
نیلوفری: لاجوردی
صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، در متن درس، مقصود آسمان لاجوردی
زین نمط: بدین ترتیب
وَرطه: مهلکه، گرداب، گودال، گرفتاری

همسری: رقابت، برابری، ازدواج
هنگامه: داد و فریاد، غوغا، شلوغی
یله: رها، آزاد
یله دادن: تکیه دادن

■ درس دوم

ایمن: آسوده خاطر، در امان
تیمار: غم، حمایت، نگاهداشت، توجه
تیمار داشتن: پرستاری و خدمت کردن، غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد.
داد: حق، انصاف
رستن: رها شدن
ضایع: تباه، تلف

عَمَله: جمع عامل، کارگران؛
در فارسی امروز کلمه عمله، به صورت مفرد، به معنی یک تن کارگر زیر دست بنا است.
قرابت: خویشی، خویشاوندی،
در متن درس منظور «خویشاوند»
مُحال: بی اصل، ناممکن، اندیشه باطل
مستغنی: بی نیاز
مَوَلَع: بسیار مشتاق، آزمند
نموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده
ننگ: عار، عیب، زشتی
نهاد: سرشت

■ درس سوم

تالاب: آبیگیر، برکه
تراز: مرتبه، درجه
تناور: تنومند، قوی جثه، فربه
حفیض: جای پست در زمین یا پایین کوه
رفیع: بلند، مرتفع، ارزشمند
سُخره: ریشخند، مسخره کردن
شرف: آبرو، بزرگواری
شَفَق: سرخی آسمان هنگام غروب آفتاب
ضامن: ضمانت کننده، کفیل، به عهده گیرنده غرامت
عامل: حاکم، والی
عزم: قصد، اراده
عمارت کردن: بناکردن، آبادکردن، آبادانی

آموزش آرایه‌های ادبی

پیوست ۱

۱- تشبیه

ادعای همانندی و اشتراک چیزی است با چیز دیگر در یک یا چند صفت.

ارکان تشبیه: ۱- مشبّه ۲- مشبّه‌به ۳- وجه شبه ۴-ادات تشبیه

۱- مشبّه: اسمی که مانند می‌شود. ۲- مشبّه‌به: اسمی که چیزی به آن مانند می‌شود.

۳- وجه شبه: صفت مشترک بین دو اسم ۴-ادات تشبیه: واژه‌هایی که شباهت را به وسیله آنها نشان می‌دهند.

این اادات، اغلب عبارتند از: چون، چو، به سان، به رنگ، به کردار، ...

توجه: ۱- برای ساختن یک تشبیه وجود طرفین تشبیه (مشبّه و مشبّه‌به) الزامی است اما وجود بقیه اركان ضروری نیست.

۲- به تشبیهی که به صورت مضاف و مضاف‌الیه به کار رود، اضافه تشبیهی هم می‌گویند.

مشبّه‌به	مشبّه	بیت	
لاله	دل شکسته	چو لاله، داغ هوایی که در جگر دارد	دل شکسته حافظ به خاک خواهد برد
لعل	لب	تا سر بود از دامن او دست نداریم	بر لعل لبش دست نداریم ولیکن
خار	غم عشق	کوتاه نظری باشد رفتن به گلستان‌ها	تا خار غم عشقت آویخته در دامن
مرغ	دل	به سوی ما اگر او را هوا بود غم نیست	چنین که مرغ دلم در غمش هوا بگرفت

۲- استعاره و تشخیص

الف) استعاره نوع ۱ (مصرّحه): هرگاه کلمه‌ای در معنای غیر حقیقی به کار رود و به دلیل شباهت، جایگزین کلمه دیگری شود، آرایه استعاره نوع ۱ (مصرّحه) ایجاد شده است.

به دیگر سخن، این نوع استعاره، تشبیهی است که از طرفین آن فقط «مشبّه‌به» باقی بماند.

مثلاً در عبارت «سرو من از راه رسید.» «سرو» استعاره از معشوق می‌شود زیرا «مشبّه» (معشوق) حذف شده است.

راه تشخیص این نوع استعاره‌ها: در این نوع استعاره‌ها می‌توان بین معنای غیر حقیقی و معنای اصلی واژه، رابطه شباهت ایجاد کرد. مثلاً در مصرع «شمشاد خانه پرور من از که کمتر است؟» شمشاد استعاره از معشوق است زیرا در معنی اصلی خود یعنی درخت شمشاد به کار نرفته و در ذهن گوینده، معشوق شبیه درخت شمشاد تصور شده است.

ب) استعاره نوع ۲ (مکنیه)

استعاره نوع ۲ (مکنیه)، تشبیهی است که مشبّه آن همراه ویژگی‌های «مشبّه‌به» ظاهر شود و خود «مشبّه‌به» حذف شود. این ویژگی یا به «مشبّه» اضافه می‌گردد مثل «باریدن تیر» و یا به آن نسبت داده می‌شود مثل «تیر بارید.»

مثلاً در عبارت «تیر مثل باران بارید.» اگر باران که «مشبّه‌به» است حذف شود، «بارید» که ویژگی آن است به تیر نسبت داده می‌شود پس در «تیر بارید» یک استعاره مکنیه ایجاد شده است.

راه تشخیص استعاره نوع ۲ (مکنیه): مثلاً در ترکیب «کنگره عرش» می‌گوییم: عرش که نمی‌تواند «کنگره» داشته باشد و «کنگره» از ویژگی‌های قلعه و کاخ است پس «کنگره عرش» استعاره نوع ۲ است. و یا در «خنده شمع»، خنده از ویژگی‌های انسان است نه شمع، پس «خنده شمع» استعاره است.

ج) تشخیص: نسبت دادن ویژگی و حالات انسانی به عناصر بی جان طبیعت، پرندگان، گل ها و دیگر موجودات آرایه

تشخیص ایجاد می نماید. به دیگر سخن، استعاره ای که «مشبه به» آن انسان باشد، تشخیص نیز نامیده می شود.

مثلاً در عبارت «برگ های سبز به رقص در می آیند.» «رقصیدن» یکی از حالات انسانی است که به برگ ها نسبت داده شده است. پس در جمله مذکور می توانیم بگوییم آرایه تشخیص یا استعاره ایجاد شده است.

نکته: هر چیز غیر از انسانی که با حرف «ای» مورد خطاب واقع شود و در معنای اصلی خود به کار رود، تشخیص ایجاد می نماید. مثلاً در جمله «ای بخارا شاد باش» «بخارا» تشخیص است زیرا با «ای» مورد خطاب واقع شده است.

تذکر مهم: اگر واژه ای که با حرف «ای» مورد خطاب واقع می شود، در معنی اصلی خود به کار نرفته باشد و منظور، چیز دیگری باشد، در آن مورد فقط استعاره نوع ۱ ایجاد شده است و تشخیصی در کار نیست.

مثلاً در مصراع «چشمه چشم مرا ای گل خندان دریاب» «گل» فقط استعاره از «معشوق» است، هرچند که با حرف «ای» مورد خطاب واقع شده است و نامیدن آرایه تشخیص برای آن درست نیست.

شبهت تشخیص و استعاره نوع ۲ (مکنیه):

اگر ویژگی مورد نظر مربوط به انسان باشد بین این نوع استعاره و تشخیص فرقی نیست و هر دو آرایه ایجاد شده است. ولی اگر ویژگی مربوط به غیر انسان باشد، فقط استعاره نوع ۲ ایجاد شده است.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که «هر تشخیصی»، استعاره مکنیه هست ولی برعکس آن صادق نیست.

توضیحات	بیت	
یا قوت (مصراع اول): استعاره از لب	ولی آشکم چو یا قوت روان است	مرا یا قوت او قوت روان است
دُر: استعاره از اشک	می ریخت ز دیده دُر مکنون	لیللی چو بریده شد ز مجنون
لعل: استعاره از شراب	گوهر هر کس از این لعل توانی دانست	صوفی از پرتو می، راز نهانی دانست
نرگس: استعاره از چشم	آه از آن مست، که با مردم هوشیار چه کرد؟	وه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت
نسیم: تشخیص، مه: استعاره از یار	منزل آن مه عاشق کُش عیار کجاست؟	ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست
مهر نکاشت: استعاره نوع ۲	در رهگذار باد نگهبان لاله بود	هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید
عقل گریخت: تشخیص (استعاره نوع ۲)	عالمی گشت و به گرداب خطر باز آمد	عقل بین کز بر سیلاب غم عشق گریخت

توجه: استعاره مکنیه ای که به صورت «مضاف و مضاف الیه» به کار رود، اضافه استعاری نیز گفته می شود.

راه تشخیص اضافه استعاری از اضافه تشبیهی:

بیشتر مواقع تشبیه و یا استعاره به صورت یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه) ظاهر می شود.

دانش آموزان عزیز، گاهی در تشخیص نوع آن دچار مشکل می شوند در چنین مواقعی باید دقت کرد اگر کلمه اول یک جزء یا ویژگی از کل ساختمان موجود دیگری بود که به مضاف الیه نسبت داده شده بود، نوع ترکیب، اضافه استعاری (= استعاره) است ولی اگر کلمه اول، خود، کل بود و نتوان آن را زیرمجموعه چیز دیگری قرارداد نوع ترکیب، اضافه تشبیهی (= تشبیه) است.

مثال: «دست خیال» اضافه استعاری است زیرا می توان گفت «دست»، جزیی از اجزای انسان است ولی «پرنده خیال» اضافه تشبیهی است. زیرا پرنده، خود، کل و یک مجموعه کاملی است که نمی توان آن را جزیی از ساختمان موجود دیگری دانست. برای مسلط شدن بر موضوع، ترکیب های زیر را با هم مقایسه کنید و به اضافه تشبیهی یا استعاری بودن آن پی ببرید.

«چشم دل» و «مرغ دل» / «آتش خشم» و «حملة خشم» / «دست اجل» و «صبح اجل» / «سقف شب» و «قالی شب»

توضیحات تکمیلی برخی نکات زبانی کارگاه‌های متن پژوهی فارسی (۱)

درس یکم

* اجزای جمله در زبان فارسی

در زبان، اجزای جمله به گونه‌ای در کنار هم قرار می‌گیرند که نهاد در ابتدای جمله و فعل در انتهای آن می‌آید. دیگر اجزای جمله در صورتی که فعل به آنها نیاز داشته باشد بین نهاد و فعل قرار می‌گیرند.

* **فعل:** مهمترین عضو جمله است و معمولاً از یک «بن فعل (ماضی / مضارع) + شناسه» تشکیل می‌شود که می‌تواند نشانه «نفی» یا «می» استمرار بگیرد: رفت + م ← رفتم

* **بن مضارع:** این گونه ساخته می‌شود: فعل امر مفرد با حذف «ب»: بنویس ← نویس

* **بن ماضی:** از مصدر فعل، بدون علامت مصدر «ن» تشکیل می‌شود: دیدن ← دید

* **شناسه فعل:** هر فعل دارای یک «شناسه» است که همیشه با آن است و در آخر فعل می‌آید و دربردارنده دو مفهوم

«شخص» و «شمار» است. شناسه‌های ماضی و مضارع: م، ی، د / Ø، یم، ید، ند

جمله ساده به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم می‌شود: دلاوران ما ← نهاد با دشمن جنگیدند. ← گزاره

* **نهاد:** گروه اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می‌آید و اغلب وقتی ضمیر اول شخص و دوم شخص باشد می‌توان آن را حذف کرد. در این صورت تشخیص نهاد بر اساس شناسه ممکن است.

روش شناخت نهاد: برای یافتن نهاد، سؤالی بدین ترتیب در ذهن مطرح می‌کنیم:

چه چیز (یا چه کسی) + گروه اسمی قبل از فعل (اگر موجود باشد) + فعل (به صورت سوم شخص مفرد)

پاسخ این سؤال نهاد جمله است. مثال: هوا سرد شد ← چه چیزی سرد شد؟ هوا (نهاد)

مهارت او در خواندن، ستودنی است ← چه چیز ستودنی است؟ مهارت او در خواندن (نهاد)

* **گزاره:** خبری است که درباره نهاد داده می‌شود.

گاهی گزاره فقط از یک فعل تشکیل می‌شود و گاهی علاوه بر فعل، مفعول، مسند یا متمم نیز دارد.

علی ← نهاد آمد. ← فعل / این کتاب‌ها ← مفعول را از کتاب فروشی ← متمم خریدم. ← فعل

* **گروه اسمی مفعول:** یک گروه اسمی است که پس از آن حرف نشانه «را» می‌آید یا می‌تواند بیاید.

علی کتاب خرید. («کتاب» مفعول است زیرا در آخر آن می‌توان «را» آورد.)

طرز یافتن نقش مفعول: برای یافتن مفعول سؤالی بدین ترتیب مطرح می‌کنیم:

چه چیزی را یا چه کسی را + فعل گذرا به مفعول؟ پاسخ این سؤال، «مفعول» است.

احمد خانه زیبایی می‌سازد ← چه چیزی را می‌سازد؟ ← خانه زیبایی (مفعول)

* **گروه اسمی مسند:** در بخش گزاره جمله‌ها علاوه بر فعل، گاهی یک گروه اسمی می‌آید که «مسند» نام دارد. و فعل

اسنادی برای تکمیل جمله به آن نیاز دارد. مثلاً: جمله «هوا است.» ناقص است و باید به این جمله یک جزء دیگر یعنی

«مسند» افزوده‌گردد تا کامل شود: «هوا ابری است»

فعل‌های مهم اسنادی عبارتند از:

باشم، باشی ...
هستم (ام)، هستی (ای)، هست و ...
است، نیست

۱- بودن و جانشین‌های آن

شبه تعطیل بود. تو خیلی خوشحالی. خدا با ما یار خواهد بود.
 مسند فعل اسنادی مسند فعل اسنادی مسند فعل اسنادی

۲- شدن و هم‌معنی‌های آن مثل گشتن و گردیدن

حالم خوب شد. قیمت طلا ارزان شده است. هوا گرم گشت.
 مسند فعل اسنادی مسند فعل اسنادی مسند فعل اسنادی

طرز یافتن مسند: به کمک فعل اسنادی سؤالی بدین گونه مطرح می‌کنیم: چه جور + فعل اسنادی

پاسخ این پرسش، مسند است که نزدیک‌ترین گروه اسمی به فعل به حساب می‌آید.

دوستم، ورزشکار است. ← چه جور است؟ ورزشکار (مسند)

۳- گاهی فعل‌های «شد، بود، است، باشد» در جمله به عنوان فعل کمکی به کار می‌روند در این صورت دیگر فعل اسنادی به شمار نمی‌آیند. نشانه این نوع فعل‌های کمکی این است که همیشه همراه با صفت مفعولی ظاهر می‌شوند و صفت مفعولی و فعل کمکی، با هم فعل اصلی جمله را تشکیل می‌دهد.

او به تهران رفته بود فعل «رفته بود» ← سوم شخص ماضی بعید
 صفت مفعولی فعل کمکی

او این مطلب را گفته است فعل «گفته است» ← سوم شخص ماضی نقلی
 صفت مفعولی فعل کمکی

* گروه اسمی متمم: در بخش گزاره جمله‌ها گاهی علاوه بر فعل، متمم نیز وجود دارد. متمم، گروه اسمی است که پس از حرف اضافه می‌آید. برخی از حروف اضافه عبارتند از:

ساده: بر، از، با، در، تا، مانند، برای، بدون، بی، ...
 مرکب: به همراه، به دنبال، به علت، به دلیل، به منظور، به عنوان، به وسیله، و ...

روش پیدا کردن متمم: برای پیدا کردن متمم کافی است ابتدا حرف اضافه را مشخص کنیم بعد ببینیم کدام گروه اسمی، همراه آن حرف اضافه آمده است؛ آن گروه اسمی متمم نام دارد.

مثلاً، در جمله «به دشمنان مرز و بوم خود بتازید.» «به» حرف اضافه است پس «دشمنان مرز و بوم» متمم است.

درس دوم

* مصدر: وقتی بن ماضی فعلی با پسوند «-ن» ترکیب شود، مفهوم اصلی فعل را می‌رساند و به آن مصدر می‌گویند.

مانند: خورد + -ن = خوردن در «خوردن» نه مفهوم زمان هست نه شخص

* فعل امر: فعلی است که با آن فرمانی می‌دهیم یا از کسی می‌خواهیم کاری انجام دهد.

برای فعل امر دو ساخت به کار می‌رود: «دوم شخص مفرد» و «دوم شخص جمع» ← «برو، بروید»

دوم شخص مفرد: بن مضارع که با جزء پیشین «ب» است و گاهی بدون «ب»: برو = ب- (جزء پیشین) + رو (بن مضارع)

در دوم شخص جمع، شناسه به آن اضافه می‌شود: بروید = ب- (جزء پیشین) + رو (بن مضارع) + ید (شناسه فعل)

* فعل نهی: امر منفی را نهی می‌گویند. نشانه نهی «م» یا «ت» است. «م» شکل قدیم نهی است. مانند: بگو ← نگو

* فعل مضارع:

- | | | | |
|---|---------------|--|--------------------------------------|
| ۱ | مضارع اخباری | پیشوند «می» + بن مضارع + شناسه | می‌روم، می‌روی، می‌رود و ... |
| ۲ | مضارع التزامی | پیشوند «ب» + بن مضارع + شناسه | بروم، بروی، برود، برویم، بروید و ... |
| ۳ | مضارع مستمر | فعل‌های کمکی دارم، داری، دارد و ... + مضارع اخباری | دارم می‌روم، داری می‌روی و ... |

آزمون شماره ۱		سؤالات نوبت دوم	هماهنگ کشوری نوبت صبح، خرداد ۱۴۰۲
ردیف	الف) قلمرو زبانی (۷ نمره) معنی واژه، املا و دستور		
نمره			
۱	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) در آگیری سه ماهی بود: دو <u>حازم</u> ، یکی عاجز. (ب) هنوز فضا از نم باران <u>آکنده</u> است.	(۰/۵ نمره)	
۲	با توجه به بیت زیر، یک معادل معنایی برای واژه «شیفته» بیابید. «وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها بی خویشتم کردی، بوی گل و ریحان‌ها»	(۰/۲۵ نمره)	
۳	با توجه به بیت «بیامد دمان پیش گردآفرید / چو دخت کمندافگن او را بدید»، معنی واژه «دمان» در کدام گزینه به درستی نیامده است؟ الف) خروشنده (ب) غرنده (ج) چالاک (د) مهیب	(۰/۲۵ نمره)	
۴	در بیت «مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندر راه عشق / دوست را با ناله شب‌های بیداران خوش است»، کدام واژه اهمیت املائی ندارد؟ الف) عشق (ب) بیداران (ج) بشارت (د) مرغ	(۰/۲۵ نمره)	
۵	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) عاقل در دفع مکاید دشمن، تأخیر (ثواب / صواب) نبیند. ب) بعد از تو روا باشد (نقض / نغز) همه پیمان‌ها ج) عامل شهری به خلیفه نشست که دیوار شهر، خراب شده است، آن را (امارت / عمارت) باید کردن.	(۰/۷۵ نمره)	
۶	در کدام گزینه املائی همه واژه‌ها به درستی آمده است؟ الف) رعیت، وقاقت، مضرت، صندروس (ب) توسن، استدعا، تجلی، خصم ج) حقه، معاش، طرفه، زاعر (د) محنت، رعب، بیقوله، معطوف	(۰/۵ نمره)	
۷	املائی درست کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) به <u>شصت</u> اندر آورده تیر خدنگ (ب) مخذول و نالان <u>اصترحام</u> می‌کرد.	(۰/۵ نمره)	
۸	کدام بخش از عبارت زیر، «حذف» شده است؟ نوع «حذف» را بنویسید. «چنین گویند که مردی به بغداد آمد و بر درازگوش نشسته بود، بزی را رشته در گردن کرده و از پس وی می‌دوید.»	(۰/۵ نمره)	
۹	نقش دستوری ضمیر پیوسته (متصل) را در گزینه‌های زیر بنویسید. الف) ز روی لطف <u>بگویی</u> که جا نگه دارد (ب) چرا غم دگران می‌کند <u>پرشانم</u>	(۰/۵ نمره)	
۱۰	در کدام گزینه، هر دو نوع «واو» عطف و ربط دیده نمی‌شود؟ الف) راهب، باریک میان بود و وقتی بیلش را به زمین فرو می‌برد و اندکی خاک برمی‌داشت؛ به دشواری نفس می‌کشید. ب) نگاهش آرام و حرکاتش و زندگی اش بی‌تلاطم بود و خیالش تخت. ج) خانه را اجاره می‌دادند یا به کسی اجاره می‌دادند و از قند و چای گرفته تا تره‌بار و بُشن، همه را فراهم می‌کردند. د) ای فرزند، حلالیت نکنم که مطربی و مسخرگی پیشه‌سازی که «همه قبیلۀ من عالمان دین بودند».	(۰/۲۵ نمره)	
۱۱	کدام گروه اسمی مطابق الگوی: «اسم + صفت + مضاف‌الیه» ساخته نشده است؟ الف) کنگره نویسندگان ایران (ب) سفر تابستانی یوش (ج) خَلَف صدق نیاکان (د) گریز رندانه معلم	(۰/۲۵ نمره)	

۱۲	بیت زیر را بر اساس اجزای سازنده در زبان فارسی مرتب کنید. «دگر ره چنان شد هنر آشکار کز آن خیره شد دیده روزگار»	(۵/۰ نمره)																								
۱۳	در عبارت زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. «معنای خاکریز هم آن گاه تفهیم می‌شود که در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی.»	(۵/۰ نمره)																								
۱۴	نقش دستوری اجزای مشخص شده در کدام گزینه متفاوت است؟ الف) شکوفایی گستره تو دل‌انگیز است. (ب) آسمانی که پس از بارش باران، صاف و روشن است. ج) من به تو شور و شوقی خواهم آموخت. (د) این، تلاوت قرآن نیست.	(۵/۰ نمره)																								
۱۵	نقش دستوری اجزای مشخص شده را بنویسید. الف) ای سرور باران‌ها و فصل‌ها (ب) غمی شد ز پیکار، دست سران	(۵/۰ نمره)																								
۱۶	نوع «را»، در مصراع «مرا مادرم نام مرگ تو کرد»، را بنویسید.	(۲۵/۰ نمره)																								
۱۷	در کدام مصراع، متمم با دو حرف اضافه نیامده است؟ الف) همیشه به جنگ اندرون نامدار (ب) چو آمد خروشان به تنگ اندرش ج) به سهراب بر تیرباران گرفت (د) بزد بر بر و سینه اشکبوس	(۲۵/۰ نمره)																								
(ب) قلمرو ادبی (۵ نمره) حفظ شعر و آرایه‌های ادبی																										
۱۸	جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. هر حماسه چند ویژگی دارد؛ داستانی،، ملّی و	(۵/۰ نمره)																								
۱۹	در کدام گزینه نام نویسنده به ترتیب نام اثر درست آمده است؟ «ارزشیابی شتابزده - جوامع الحکایات - دیوار - من زنده‌ام - مائده‌های زمینی» الف) سهراب سپهری - حسین واعظ کاشفی - جمال میرصادقی - معصومه آباد - تولستوی ب) جلال آل احمد - سدیدالدین محمد عوفی - جمال میرصادقی - معصومه آباد - آندره ژید	(۵/۰ نمره)																								
۲۰	با توجه به موارد قسمت الف، آرایه‌های مناسب را از قسمت ب انتخاب کنید و داخل نقطه چین بنویسید. (در قسمت ب یک مورد اضافی است.)	(۵/۱ نمره)																								
<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <thead> <tr> <th style="width: 15%;"></th> <th style="width: 15%; text-align: center;">الف</th> <th style="width: 15%; text-align: center;">ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td></td> <td>الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرَت افشانم</td> <td>(۱) مجاز</td> </tr> <tr> <td></td> <td>ب) کمان را به زه کرد و بگشاد بر</td> <td>(۲) حسن تعلیل</td> </tr> <tr> <td></td> <td>ج) ما را سرِ باغ و بوستان نیست</td> <td>(۳) سجع</td> </tr> <tr> <td></td> <td>د) گل از شوق تو خندان در بهار است</td> <td>(۴) حس آمیزی</td> </tr> <tr> <td></td> <td>ه) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ</td> <td>(۵) تضمین</td> </tr> <tr> <td></td> <td>و) آهنگ گید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند.</td> <td>(۶) جناس</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td>(۷) اغراق</td> </tr> </tbody> </table>				الف	ب		الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرَت افشانم	(۱) مجاز		ب) کمان را به زه کرد و بگشاد بر	(۲) حسن تعلیل		ج) ما را سرِ باغ و بوستان نیست	(۳) سجع		د) گل از شوق تو خندان در بهار است	(۴) حس آمیزی		ه) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ	(۵) تضمین		و) آهنگ گید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند.	(۶) جناس			(۷) اغراق
	الف	ب																								
	الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تَرَت افشانم	(۱) مجاز																								
	ب) کمان را به زه کرد و بگشاد بر	(۲) حسن تعلیل																								
	ج) ما را سرِ باغ و بوستان نیست	(۳) سجع																								
	د) گل از شوق تو خندان در بهار است	(۴) حس آمیزی																								
	ه) نگه کرد سهراب و آمدش ننگ	(۵) تضمین																								
	و) آهنگ گید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند.	(۶) جناس																								
		(۷) اغراق																								
۲۱	با توجه به قسمت‌های مشخص شده، نماد و تشبیه را در مصراع‌های زیر بررسی کنید. الف) ای چو سبزه برآمده از دفتر روزگاران (ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب	(۵/۰ نمره)																								
۲۲	مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) عنان را گران کرد و او را بخواند (ب) او را نیز بسمل کردم تا عبرت همگان شود.	(۵/۰ نمره)																								

۲۳	آرایهٔ درست هر عبارت را از داخل کمانک انتخاب کنید. (الف) خروش سواران و اسپان ز دشت (ب) زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت (۵/۰ نمره)
۲۴	الف) یک بیت بعد از بیت: «فلک در شگفتی ز عزم شماس / ملک آفرین گوی رزم شماس» را بنویسید. (۱ نمره) ب) بیتهای شعر «دلبران و مردان ایران زمین» بنویسید که قافیۀ مصراع‌های آن «پاک و تابناک» باشد.
	ج) قلمرو فکری (۸ نمره) معنی و مفهوم نظم و نثر و درک مطلب
۲۵-	معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید. الف) معلم مشوَش بود. (۲۵/۰ نمره) ب) مرگ چنان زندگی را به سُخره گرفت (۲۵/۰ نمره) ج) الهی فضل خود را یار ما کن (۵/۰ نمره) د) تدبیر برادران بر خلاف تقدیر رحمان آمد. (۵/۰ نمره) ه) به آورد با او بسنده نبود (۵/۰ نمره) و) در چشم به هم زدنی، پشت او را به خاک رسانید. (۵/۰ نمره) ز) خاک مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است. (۵/۰ نمره) ح) ریش بر می‌کند و می‌گفت ای دریغ کآفتاب نعمتم شد زیر میغ (۷۵/۰ نمره)
۲۶	حدیث «حاسِبو قبلَ آن تُحاسِبوا»، با کدام عبارت قرابت معنایی دارد؟ الف) به زبان دیگر مگو و به دل، دیگر مدار. (ب) واندر همه کاری داد از خویشتن بده. (۵/۰ نمره)
۲۷	در متن زیر، عقل با چه ویژگی‌هایی وصف شده است؟ «چندان تناوری و بلند/ که به هنگام تماشا/ کلاه از سر کودک عقل می‌افتد.»
۲۸	به چه دلیل نویسنده معتقد است که: «مَثَلِ قرآن، مَثَلِ آب روان است»؟ (۵/۰ نمره)
۲۹	هر یک از ابیات زیر، با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ (شمارهٔ بیت را داخل کمانک بنویسید). (۵/۰ نمره) الف) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دام و دانه (.....) ب) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب گر ذوق نیست تو را کژ طبع جانوری (.....) ۱) به صوت خوش، چو حیوان است مایل ز حیوان کم نشاید بودن ای دل ۲) هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست به غیر مصلحتش رهبری کند ایام
۳۰	شاعر در بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟ (۵/۰ نمره) «تا زَبرِ خاکی، ای درخت تنومند مگسل از این آب و خاک، ریشهٔ پیوند»
۳۱	یک ضرب‌المثل، معادلِ مصراع دوم بیت زیر بنویسید. (۵/۰ نمره) «نباشی بس ایمن به بازوی خویش «خُورَدِ گاو نادان، ز پهلوی خویش»
۳۲	کدام مصراع، با قسمت مشخص شده در سرودهٔ زیر ارتباط معنایی دارد؟ «تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن / و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم» الف) بگذار بوسه ز نیم بر شمشیری که در دستان توست (ب) ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده‌اید ج) ای سرخ گُل که فداکاری پیشه کردی (د) تو را آب ها و خوشه ها نامیدم
۳۳	جملهٔ «ای کاش عظمت در نگاه تو باشد»، را با سرودهٔ زیر از سهراب سپهری، مقایسه کنید. (۵/۰ نمره) «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید»

پاسخ نامه تشریحی

- ۱- الف) محتاط (ب) پُر، انباشته ۲- سودایی ۳- گزینه ج ۴- گزینه ب
- ۵- الف) صواب (ب) نقض (ج) عمارت ۶- گزینه ب ۷- الف) شست (ب) استرحام
- ۸- حذف فعل کمکی «بود»، حذف به قرینه لفظی ۹- الف) متمم (ب) مفعول (مرا پریشان می کند)
- ۱۰- گزینه د ۱۱- گزینه الف ۱۲- دگر ره آن چنان هنر آشکار شد که از آن دیده روزگار خیره شد.
- ۱۳- جمله هسته (پایه) ← معنای خاکریز هم آن گاه تفهیم می شود
جمله وابسته (پیرو) ← در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی
- ۱۴- گزینه ج ← مفعول، سایر گزینه ها ← مسند ۱۵- الف) منادا (ب) نهاد
- ۱۶- در پاسخنامه سؤالات هماهنگ کشوری، فک اضافه ذکر شده است ولی در حقیقت، نشانه مفعول است زیرا «نام کرد = نامید»، فعل جمله است. (مرا مادرم، نام مرگ تو کرد = مادرم، مرا مرگ تو نام کرد یا نامید).
- ۱۷- گزینه د ۱۸- به ترتیب: قهرمانی، خرق عادت ۱۹- گزینه ب
- ۲۰- الف) حس آمیزی (ب) اغراق (ج) مجاز (د) حسن تعلیل (ه) جناس (و) سجع
- ۲۱- الف) تشبیه (ب) نماد ۲۲- الف) متوقف کردن (ب) سر جانور را بریدن
- ۲۳- الف) اغراق (ب) استعاره
- ۲۴- الف) شما را چو باور به یزدان بود/ هم او مر شما را نهبان بود
(ب) از این خطّه نغز پدرام پاک/ وزین خاک جان پرور تابناک
- ۲۵- الف) معلم پریشان و آشفته بود. (ب) مرگت آن چنان زندگی را بی ارزش کرد.
(ج) خدایا بخشش خود را همراه ما کن.
(د) اندیشه و عاقبت‌نگری برادران بر خلاف خواست و حکم خداوند بخشنده بود.
(ه) در نبرد با سهراب حریف او نمی شد. (توانایی مقابله با او را نداشت).
(و) در زمانی کوتاه او را شکست داد.
(ز) احساس ناراحتی و پشیمانی می کرد و می گفت افسوس، این نعمت من (سخن گویی طوطی) مثل خورشیدی بود که پشت ابر پنهان شد (سخن گویی طوطی را از دست دادم).
(ح) خاک نشانه نیازمندی مخلوق در برابر بی نیازی آفریننده است.
- ۲۶- گزینه ب ۲۷- تحیر و ناتوانی عقل از درک عظمت امام حسین (ع)
- ۲۸- هر دو مایه حیات هستند. آب، زندگی بخش جسم است و قرآن، حیات بخش روح و جان.
- ۲۹- الف) (۲) هر آن که گردش گیتی (ب) (۱) چه وجود نقش دیوار و)
- ۳۰- عشق به وطن، وطن دوستی، دلبستگی به وطن
- ۳۱- دشمن طاووس آمد پر او/ از ماست که بر ماست/ خود کرده را تدبیر نیست/ طوطی ز زبان خویش در بند افتاد
- ۳۲- گزینه ج ۳۳- نگاه عاشقانه و پُر مهر بر پدیده‌ها داشتن و توجه به زیبایی‌های معنوی جهان و یا در هر دو به تغییر نگرش انسان نسبت به جهان توصیه شده و اینکه باید با بصیرت به جهان پیرامون خود نگرست.

فهرست نمایندگان فروش کتاب های انتشارات نگاه نو فرهنگ

الف) شیراز

۳۶۳۶۱۱۰۵-۷	پل معالی آباد، ابتدای ۲۴ متری دینکان	بانک کتاب معالی آباد	۱
۳۲۳۵۶۵۷۰	خیابان ملاصدرا، اول بعثت، نبش کوچه ۳	بانک کتاب صادق	۲
۳۶۲۹۳۱۲۱	خیابان قصردشت، رو به روی کوچه ۴۴ (انتقال خون)	بانک کتاب (عمده فروشی)	۳
۳۶۴۸۰۶۰۹	بولوار بعثت، نرسیده به فلکه سنگی	پخش کتاب	۴
۳۲۲۳۲۲۱۰	خیابان تختی، کوچه جاوید	پخش گلستانه (عمده فروشی)	۵
۳۲۳۱۸۰۴۹	خیابان ملاصدرا، اول خیابان معدل، طبقه زیرین	خوارزمی	۶
۳۲۳۳۵۱۶۹	خیابان مشیرفاطمی، ابتدای معدل، طبقه زیرین	دنیای کتاب (عمده و خرده)	۷
۳۶۲۶۴۲۰۰	خیابان قصردشت، رو به روی انتقال خون، کوچه ۴۴	کتاب فروشی شیراز	۸
۳۸۲۲۲۱۱۲	بلوار زرهی، بین کوچه ۶۲ و ۶۴، روبروی خیابان فلّاحی	مرکز کتاب زرهی	۹
۳۶۲۶۹۸۲۶	چهار راه ملاصدرا، ابتدای رحمت آباد	کتاب فروشی مرکزی	۱۰
۳۶۲۴۹۷۸۳	خیابان معالی آباد، جنب بانک سرمایه، پاساژ نغمه	کتاب فروشی هیربُرد	۱۱
۳۶۳۱۹۱۶۵	میدان قصردشت، ابتدای ایمان شمالی، نبش کوچه ۳۶	مرکز کتاب قصردشت	۱۳

ب) شهرستان های فارسی

۴۴۳۴۷۳۲۷	میدان شهید منتظری	کتاب فروشی خورشید شب	آباده
۰۹۱۷۴۵۰۴۷۶۸	خیابان شهید غضنفری	کتاب فروشی صفا	سپیدان
۵۴۲۲۳۴۷۴	خیابان جمهوری (منوچهری سابق)، جنب بانک ملی	بانک کتاب	جهرم
۵۴۲۲۶۶۴۹	خیابان جمهوری، راسته ی طلا فروشان	کلبه کتاب	جهرم
۵۳۳۱۵۲۴۲	خیابان امام خمینی، سه راه دریمی	کتاب فروشی ایران باستان	فسا
۵۳۳۵۲۲۸۵	خیابان روزبهان	خانه کتاب ارشادی	فسا
۴۳۲۲۱۴۷۰	میدان شهرداری، خیابان ۷ تیر	کتاب فروشی نگار	مرو دشت
۴۳۲۲۲۲۱۸	میدان شهرداری، خیابان ۷ تیر	کتاب فروشی عزیزی	مرو دشت
۴۲۵۲۷۰۵۰	رو به روی مسجد جامع	کتاب فروشی دارابی	نورآباد
۵۳۸۲۱۶۳۳	خیابان قدس پاساژ زحلی طبقه دوم	کتاب فروشی کالج	نیریز
۵۳۸۲۶۸۷۸	رو به روی مدرسه شاهد	کتاب فروشی صادق یار	نیریز

قابل توجه دانش آموزان و همکاران

برای تهیه این کتاب، بهای آن را به حساب زیر واریز نمایند و نشانی کامل پستی خود را از طریق پیامک، ایتم، واتساپ و یا تماس تلفنی به شماره «۰۹۱۷ ۳۰۱۶۰۸۵» اعلام نمایند تا با پست پیشتان یا پیک موتوری برای آن‌ها ارسال شود.

سامانه فروش اینترنتی: www.negahenow.com

بانک ملی: حساب جاری سیبا شماره «۰۱۰۲۹۹۴۱۳۴۰۰۹» یا انتقال از طریق شبکه شتاب (کارت به کارت)

شماره «۰۶۰۳۷، ۹۹۱۴، ۵۴۵۸، ۹۱۴۸» به نام جواد امیرسالاری